

بحث از «توسعه پایدار» و مقولات وابسته به آن، از جمله مباحثی است که در دنیای امروز در زمینه‌های بسیار مهم و مختلفی مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و روند تکاملی و رو به رشدی دارد. سهم فراوانی از تحقیقات دنیای امروز به پژوهش در حیطه توسعه پایدار اختصاص یافته است. پرواضح است که برای دستیابی به یک توسعه پایدار و تکاملی، باید الگویی در پیش گرفته شود که با شرایط هر سرزمین انطباق داشته باشد. بیشتر محققان در کشورهای اسلامی، زمانی که بحث توسعه پایدار به میان می‌آید، به منابع غربی استناد می‌کنند، این در حالی است که در بسیاری از موارد، اقتباس کامل الگوهای وارداتی محکوم به شکست است. برای بومی‌سازی مفهوم پر اهمیتی نظیر «توسعه پایدار»، یکی از اولین گام‌ها مطالعه و بررسی آراء و اندیشه‌های حکمای مسلمان در این باره است. عبدالرحمن ابن‌خلدون، دانشمند و محقق برجسته مسلمان، در کتاب ارزشمند و بی‌نظیرش، «مقدمه»، به صورت کامل و بسیار هوشمندانه‌ای، به مقوله توسعه پایدار پرداخته است، که البته تا حد زیادی، این بحث او از چشم محققین پنهان مانده است. برای هرچند برای اولین بار، مفهوم توسعه پایدار در کمیسیون برانت لندن در سال ۱۹۷۸ میلادی مطرح شد و از سال ۱۹۹۲ میلادی، بعد از بیانیه ریو، شکل رسمی به خود گرفت؛ اما حدود ششصد سال قبل، ابن‌خلدون به شیواترین شکلی این مفهوم را بیان کرده است. در این مقاله که از روش اسنادی و تحلیل محتوا بهره برده شده، مفهوم توسعه پایدار و اصول سه‌گانه آن (اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست) در اندیشه ابن‌خلدون مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نیز اصل بسیار مهم «توسعه میانه‌رو» یا توسعه کنترل شده که توسط او برای رسیدن به رشد پایدار مطرح شده، معرفی شده است.



عبدالرحمن ابن‌خلدون، توسعه پایدار، توسعه میانه‌رو

دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان؛ سال دوم، شماره اول (شماره پیاپی دوم)، بهار و تابستان ۱۳۹۱ (چاپ تابستان ۹۲)

توسعه پایدار شهری از منظر «عبدالرحمن ابن‌خلدون»*

محمد نقی زاده

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
(Dr.mnaghizadeh@yahoo.com)

سعیده محتشم‌امیری

دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
(نویسنده مسئول - s_mohtashamamiri@yahoo.com)



۱- مقدمه و طرح مسئله

مفهوم «توسعه پایدار» نخستین بار توسط کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (WCED)^۱ در سال ۱۹۸۷ میلادی، و در گزارش معروف به گزارش برانت‌لند، مطرح شد. بر این اساس توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون مصالحه با نسل‌های آینده در باره نیازهای آنها تأمین کند (کوک و وان، ۱۹۹۴)، سپس در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ میلادی، در کنفرانس توسعه و محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNCED) اصول توسعه پایدار تهیه و تدوین شد (United Nations, ۱۹۹۲). نطفه اصلی شکل‌گیری بحث توسعه پایدار با تأکید بر رویکردهای زیست‌محیطی بود، اما به سرعت این اصطلاح در حوزه‌های مختلف مطرح و به یکی از اصلی‌ترین مباحث هر رشته‌ای تبدیل شد. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل‌توجهی که بعد از بیانیه ریو برای دستیابی به توسعه پایدار حاصل شد، در کشورهای اسلامی همچنان محدودیت‌های فراوانی در دستیابی به این مهم وجود دارد و متأسفانه آمارها حاکی از آن هستند که فاصله کشورهای اسلامی تا رسیدن به اصل توسعه پایدار زیاد است (زبیر، ۲۰۰۶). یکی از اولین دلایل عدم موفقیت، فقدان الگوی بومی و اسلامی در این خصوص است: «موضوعی که مغفول می‌ماند آن است که نظری گذرا به تاریخ تحول و پیشرفت رشته‌های مختلف نشان می‌دهد که چه ایده‌هایی علیرغم آنکه زادگاهشان مشرق زمین بوده و در موطن خویش مهجور مانده‌اند، در ممالک صنعتی مورد توجه قرار گرفته و به عنوان ایده‌هایی جدید و غربی، جهانگیر شده‌اند» (نقی-زاده، ۱۳۸۵: ۴۳۹). با توجه به این نکته مهم که گام نخست در تهیه هرگونه طرحی، تدوین مبانی نظری در خصوص آن موضوع است، از این رو برای دستیابی به الگوی بومی موضوع جهان‌شمولی همچون توسعه پایدار می‌بایست در قدم اول آراء ارزشمند متفکران اسلامی را به‌طور دقیق بررسی کرد: «این تأسف مطرح است که چرا ممالک با تمدن کهن، از جمله ممالک اسلامی در متون و منابع خود، صحیح و به موقع، مطالعه نمی‌کنند. غالباً مفاهیم وارداتی به‌طور دریست و بدون محک خوردن با معیارهای منبعث از جهان بینی و تفکر خودی پذیرفته شده و به کار گرفته

1 The United Nations Conference on Environment and Development (UNCED)

این کنفرانس در سال ۱۹۹۲ در شهر ریودوژانیروی برزیل با شرکت بیش از صد و پنجاه نفر از رؤسا و نمایندگان کشورهای جهان تشکیل شد، این کنفرانس به اجلاس زمین یا همایش ریو موسوم شده است که توجه جهان را به مباحث زیست‌محیطی و حفاظت و نگهداری از آن جلب نمود. در این اجلاس دستور کار ۲۱ یا دستورالعمل اقدام در ارتباط با توسعه پایدار جهانی تدوین شد.



می شوند. حاصل این فرایند، رشد از خود بیگانگی، بحران هویت و معایب دیگر است که امروزه گریبانگیر این گونه جوامع و به ویژه ممالک جهان سوم گردیده است» (همان، ۴۴۰).

یکی از متفکران برجسته اسلامی که ایده‌هایش فراتر از زمان خود بوده و با رویکردی منحصر به فرد مسائل مختلف جامعه و شهر را مورد بررسی قرار داده، عبدالرحمن ابن خلدون است. این دانشمند مسلمان، در اول رمضان ۷۳۲ هجری قمری (۲۷ می ۱۳۳۲ میلادی) در تونس متولد شد. اثر ارزشمند وی، کتاب «مقدمه» اثری است که در آن مباحثی مهم در حوزه شهر و شهرنشینی ذکر شده است. او به عنوان بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی شناخته می‌شود و در زمینه تئوری‌های رشد اقتصادی نیز شهره است؛ اما آنچه که از چشم بسیاری از محققان مغفول مانده این است که به علاوه می‌توان او را پایه‌ریز و بنیان‌گذار برنامه‌ریزی شهری مدرن نیز دانست، زیرا نظرات او در خصوص مباحث شهرنشینی، با مباحث این حوزه در دنیای معاصر بسیار همگام است. او در کتاب مقدمه با رویکردی علمی، تفاوت‌های فرهنگ شهر و شهرنشینی، ارتباط متقابل ویژگی‌های انسان و محیط، ارتباط بین جغرافیا و شکل شهر را بیان کرده، ویژگی‌های جامعه متمدن و غیر متمدن، عمران بدوی و عمران حَضری را به میان آورده، تئوری چرخه حیات جامعه را مطرح کرده، نیاز طبیعی و ذاتی انسان به عمران و اجتماع را متذکر شده و راهکار مناسب جهت تغییر مثبت و رشد را در عرصه‌های مختلف اجتماعی و شهری ارائه داده است. از جمله مفاهیمی که با هوشمندی مثال‌زدنی در این اثر آمده و در این مقاله به آن پرداخته شده، مفهومی بسیار هماهنگ با بحث «توسعه پایدار» است. توسعه پایدار در سه حیطة «اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست» مطرح است. وقتی هر سه مفهوم در کنار هم رشد کنند و وحدتی بین آن‌ها برقرار شود، رسیدن به توسعه پایدار دست‌یافتنی خواهد بود. ابن خلدون نیز قریب به ششصد سال پیش از مطرح‌شدن این اصطلاح، دقیقاً با چنین رویکردی به شرح و بیان این مباحث پرداخته و علاوه بر این سه مقوله، موضوعات دیگری را نیز برای رسیدن به رشد پایدار ضروری دانسته است.



۲- پرسش‌های تحقیق

- ۱- آیا در کتاب «مقدمه» ابن خلدون، به مفاهیم اصلی بحث توسعه پایدار که ایده‌ای نوین و مربوط به دنیای معاصر است اشاره‌ای شده است؟
- ۲- مفهوم «توسعه پایدار» در سه زمینه اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست مطرح است. دیدگاه ابن خلدون در خصوص سه موضوع اصلی توسعه پایدار چیست و او از چه منظری به این مفهوم نگریسته است؟
- ۳- مصادیق تجلی اصول توسعه پایدار از دیدگاه ابن خلدون چیست؟
- ۴- صفات و ویژگی‌هایی که ابن خلدون برای رسیدن به رشد و توسعه پایدار شهری مهم برمی‌شمرد، چیست؟

۳- چارچوب مفهومی و مبانی نظری پژوهش

۳-۱- چیستی توسعه پایدار

کلمه توسعه معادل واژه *Development* است که در ابتدای امر در مقولات مادی و اقتصادی مطرح بوده است (زاکس، ۱۳۷۷). اولین بار اصطلاح توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ در کمیسیون برانت لند در خصوص مفاهیم زیست‌محیطی مطرح شد و به تدریج این مفهوم در دیگر مقولات مورد استفاده قرار گرفت. در منابع مربوط به توسعه پایدار اتفاق نظری وجود دارد که این مهم در برگیرنده سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است (مخدوم، ۱۳۷۸). در گزارش برانت لند (۱۹۸۷)، این ایده به‌عنوان محور اصلی مباحث محیطی مطرح شد و نهایتاً با اعلامیه ریو (۱۹۹۲) محیط‌زیست و توسعه توأماً به‌عنوان یک سیستم یکپارچه مورد توجه قرار گرفتند و در دستور کار^۱ ۲۱ جزئیات و نحوه وصول به آن تدوین شد ((*United Nations*, ۱۹۹۲) به نقل از (نقی‌زاده، ۱۳۸۵)).

«پایداری در قلمرو توسعه، مفهومی است که عمدتاً در دو دهه اخیر و به ویژه از دهه هفتاد که نخبگان زیست‌محیطی توانستند نشانه‌های بحران را دریافت کرده و آن را به وجدان عمومی اهل نظر منتقل کنند، مطرح شد و به موازات شناخت ابعاد، تعاریف آن رو به تحول و تکامل گذاشت، هرچند ابعاد

۱ سند دستور کار ۲۱ در چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به تصویب اجلاس عمومی رسید و به زبان‌های رسمی کشورهای عضو ترجمه شد. در ایران نیز در شهریور ۱۳۷۲ شورای عالی حفاظت از محیط‌زیست، کمیته ملی توسعه پایدار را تصویب کرد و یکی از وظایف مهم آن را برنامه‌ریزی و تعیین سیاست و ارائه پیشنهادها در خصوص این دستور کار تعیین نمود. این سند بالغ بر چهل فصل بوده و هر فصل یکی از اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود. (طراوتی و ایافت، ۱۳۸۱).



توسعه پایدار بسیار گسترده است اما شاید بتوان گفت وجه مشترک همه آن‌ها مفهوم تعادل بین دو طرف ذی‌ربط است» (شهیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۶) توسعه پایدار در ساده‌ترین تعریفش، توسعه‌ای قلمداد می‌شود که نیازهای نسل کنونی را تأمین می‌کند، بدون اینکه به رفع نیازمندی‌های نسل آینده لطمه وارد سازد. موضوع پایداری که زمینه‌های اصلی آن به تصویب اعضای جامعه جهانی رسیده است به رواج تعبیری چون معماری پایدار، توسعه پایدار شهری، شهر پایدار، توسعه پایدار انسانی و مواردی مشابه انجامیده است.

۳-۲- ابعاد توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری

نطفه اصلی شکل‌گیری توسعه پایدار در ابتدا با تأکید بر رویکردهای زیست‌محیطی بود، اما به تدریج این اصطلاح در زمینه‌های مختلف وارد شد و تقریباً امروزه حوزه‌های وجود ندارد که اندیشه پایداری در آن مطرح نباشد. می‌توان به گونه‌ای ساده این مفهوم را چنین تعریف نمود: «توسعه پایدار یک روش هوشمندانه و عاقلانه توسعه کیفی زندگی است که سه هدف همزمان باید در نظر گرفته شوند: ارتقاء زندگی جمعی؛ بهبود محیط‌زیست؛ پیشرفت اقتصادی» (مفیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۹) موضوع اصلی نشست‌های II (دومین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص اسکان بشر) که در ژوئن ۱۹۹۶ در استانبول برگزار شد، شهرهای پایدار بود. این کنفرانس به نقطه عطفی در خصوص فراگیر شدن رویکرد توسعه پایدار شهری بدل شد (احمد، ۲۰۰۸). صاحب‌نظران، شکلی از توسعه را که توان توسعه مداوم جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند، معنای توسعه پایدار شهری می‌دانند. تعاریف توسعه پایدار که بنابر دیدگاه‌های مختلف مطرح شده‌اند، برای تعریف پایداری، توسعه پایدار، جامعه و شهر پایدار تلاش می‌کنند. این مفاهیم در بطن اصول سه‌گانه مستتر هستند: آینده‌گرایی، محیط‌گرایی، عدالت و مشارکت‌گرایی (مفیدی، ۱۳۸۸).

مناسب‌ترین بستر برای تحقق ایده توسعه پایدار، محیط شهر است. مفهوم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری تا آن حد در هم تنیده‌اند که نمی‌توان آن‌ها را جدا از هم در نظر گرفت، چراکه این اصول در محیط شهر است که اگر محقق شوند، دستیابی به توسعه‌ای پایدار، کامل و همه‌جانبه را امکان‌پذیر خواهند ساخت: «شهرها مکانی مهم جهت آزمودن نظریات گوناگون هستند و گاهی از شهرها به عنوان عالی‌ترین خلاقیت انسان یاد می‌شود، تجمع نیازهای عصر حاضر بیش از هر مکان دیگری در شهرها تجلی یافته است. شهرها مهم‌ترین کانون‌های تحقق توسعه پایدار به شمار می‌روند» (طیبیان، ۱۳۸۷: ۷۹). تحقق



توسعه پایدار گامی است در جهت بازیافت کیفیت از دست رفته زندگی شهری که در اثر توسعه‌های ناپایدار حادث شده‌اند. شهر پایدار، شهری است که «در حرکت به سوی کارایی بیشتر در استفاده از منابع به حفظ کیفیت زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و کارایی اقتصادی توجه داشته باشد. پایایی توسعه در یک جامعه شهری زمانی تضمین می‌گردد که شهرسازی قادر باشد سطح تولید اقتصادی را در حد مطلوب تأمین نماید، رفاه اجتماعی در شهر شکل بگیرد و زندگی سالم جریان داشته باشد. آن زمان است که توسعه پایدار شهری رخ می‌نماید» (کشاورزی شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۰۱). شهرها به این دلیل که مهم‌ترین مصرف‌کننده منابع طبیعی هستند و بیش‌ترین آلودگی‌ها را تولید کرده و در توسعه اقتصادی یک جامعه نقش مؤثری دارند و ظرفی برای تحقق مساوات و عدالت اجتماعی هستند، از کلیدی‌ترین جایگاه‌های تحقق توسعه پایدار به شمار می‌روند و بر اهمیت توجه به مقوله توسعه پایدار در محیط شهری، صّحّه می‌گذارند.

۳-۳- ضرورت تدوین نسخه اسلامی توسعه پایدار

اصطلاح «پایداری» امروزه در تمام کشورهای جهان در زمینه‌های گسترده‌ای همچون معماری، شهرسازی، فرهنگ، اقتصاد، مدیریت و غیره مطرح است. یکی از رسالت‌های متفکرین هر جامعه در مواجهه با مباحثی که گستره‌ای در سطح جهانی دارند و وارداتی محسوب می‌شوند آن است که در جهت بومی کردن و تطبیق آن با معیارهای مختلف جامعه خویش تلاش نمایند. اصطلاح توسعه، به معنای بسط تمدن غرب در جهان تلقی شده و به نوعی، این توسعه با مفهوم توسعه تجدد همراه شده است (داوری اردکانی، ۱۳۷۵). پرواضح است که جهت به‌کارگیری اصول توسعه پایدار، نیازی مبرمی به بومی کردن و مطالعه سابقه این مفهوم در آثار متفکران مسلمان وجود دارد.

علی‌رغم آن که پایه‌گذاران آراء نوین سعی در القای وجود الگویی واحد دارند، هر جامعه‌ای باید بتواند تعریفی اختصاصی و بومی از عناوین آراء جدید در دست داشته باشد، زیرا وجود این تعاریف باعث استقلال، هویت و اعتمادبه‌نفس در جامعه شده و عاملی جهت بسط و گسترش جهان‌بینی و شکوفایی علم و فرهنگ خواهد بود. اصولاً تقلید صرف یک الگو بدون تطبیق آن با فرهنگ، جهان‌بینی، دین، شرایط جغرافیایی و سیاسی جامعه مقلد می‌تواند نتایج نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، بالأخص که اکثر کشورهای اسلامی شرایطی متفاوت با جوامع مولد اندیشه توسعه پایدار دارند و علی‌الخصوص زمانی که



بحث مسائل شهری به میان می‌آید این فاصله زیادت‌تر می‌شود. یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام، دقت در انتخاب الگوهاست. معرفی الگوهای شایسته، از روش‌های مناسب جهت حفظ هویت فرهنگی یک جامعه محسوب می‌شود. آمار و ارقام مقایسه شاخص‌های توسعه میان کشورهای اسلامی و غربی، نشان از تفاوت‌هایی فاحش بین این سرزمین‌ها دارد: «در اکثر کشورهای اسلامی، شاخص توسعه بسیار پایین‌تر از بیشتر کشورهای جهان است، این مطلب نه تنها در مقایسه با دیگر کشورهای توسعه یافته جهان، بلکه در مقایسه با برخی از کشورهای جهان سوم حتی با گروه‌های ممتاز در خود کشورهای اسلامی نیز صادق است» (آسایش، ۱۳۷۶: ۴). وجود عقاید و ارزش‌های مشترک در جهان اسلام، این زمینه را به وجود می‌آورد تا در خصوص الگوها و عملکردهای وارداتی، صاحب‌نظران مسلمان تلاش کنند تا نسخه‌ای بومی و اسلامی در خصوص این رویکردها اتخاذ نمایند. بر عهده تمام اندیشمندان جهان اسلام است تا در وهله اول برای تدوین اصول توسعه پایدار اسلامی، و در گام‌های بعدی، بومی کردن آن و محدودتر کردن اصول برای هر جامعه تلاش کنند و «گرد غربت از آراء اسلامی» بزدایند. تنها در این صورت است که مبانی و راهبردهای دین اسلام می‌تواند در تمام ساحت‌ها، خود را باز یابد.

۳-۴- پیشینه پژوهش

ابن خلدون با آنکه حدود ششصد سال پیش می‌زیسته، اما مطالعات دقیق بر روی آثار وی از کشورهای غربی و از سال ۱۸۱۰ میلادی آغاز شده است (ربیع، ۱۹۶۷). در ایران، کتاب «مقدمه» در سال ۱۳۳۶ توسط محمد پروین گنابادی ترجمه شد که تا کنون به چاپ سیزدهم رسیده و گواهی از گسترش تحقیقات بر روی این اثر دارد. آثار خلدون بیشتر در حوزه تاریخ و جامعه‌شناسی مورد بررسی تخصصی قرار گرفته است و بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون در ایران، به دیدگاه توسعه پایدار از منظر ابن خلدون پرداخته نشده است و این پژوهش را می‌توان اولین گام در این مسیر دانست.

ایو لاکوست در کتاب «جهان‌بینی ابن خلدون» (۱۳۵۴)، بعد از مطالعه‌ای در مورد ابعاد مختلف زندگی ابن خلدون و بحران‌های تاریخی و سیاسی، توجه خود را به تعریف خاص او از تاریخ و علمی کردن تاریخ متمرکز کرد. لاکوست در بخش‌های دیگر به مواردی نظیر تأسیس دولت، عمران بدوی و حَضری (زندگی بادیه‌نشینی و شهرنشینی) اشاره کرده است. در سال ۱۳۸۲ دو کتاب در خصوص اندیشه اجتماعی خلدون در ایران ترجمه شد: کتاب «جامعه، دولت



و شهرنشینی (تفکر جامعه‌شناختی ابن‌خلدون)» نوشته فؤاد بعلی و کتاب «فلسفه اجتماعی ابن‌خلدون» اثر طه حسین. فؤاد بعلی پس از تأکید بر نقش ابن‌خلدون در تأسیس علم جامعه‌شناسی و مقایسه نظریات وی با مشهورترین نظریه‌پردازان غربی، به تحلیل دقیق مفهوم عصبیت پرداخته است؛ مفهومی که ارتباط بسیار تنگاتنگی با مبحث مشارکت‌های اجتماعی مردم در شهر دارد. او در ادامه به مقتضیات شهرسازی، مکان مطلوب شهر، هوا و آب سالم، امکانات حمل‌ونقل مناسب و اندازه و تراکم شهر اشاره کرده است. این کتاب در بین آثار ترجمه‌ای پیرامون اندیشه‌های ابن‌خلدون در ایران، از راهگشایترین آثاری است که به دیدگاه‌های شهر و توسعه شهری از دیدگاه این متفکر می‌پردازد. از سوی دیگر طه حسین دیدگاهی انتقادی و بعضاً منفی‌نگر نسبت به اندیشه‌های ابن‌خلدون دارد. اکثر مفسران، رویکرد طه حسین را به نقد کشیده و نفی کرده‌اند. همچنان که مترجم کتاب در پیش‌گفتار نوشته است، انتقادات طه حسین به ابن‌خلدون، انتقاداتی سست است و او همواره در طول زندگی‌اش، فردی ناراضی بوده و معمولاً انتقاداتی تندی بر اساتید خویش وارد می‌کرده است. به علاوه، او بیشتر به جنبه تاریخ‌نگاری و سیاسی آراء ابن‌خلدون اشاره کرده است.

در کتاب «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان: از فارابی تا ابن‌خلدون» تألیف تقی آزادارمکی (۱۳۷۴)، ابتدا اندیشه اجتماعی ابن‌خلدون مورد بررسی قرار گرفته و سپس انسان‌شناسی و نظریه جغرافیایی او ذکر شده است. در این تحلیل، نشان داده شده است که اقلیم، چه تأثیر مهمی بر خلق و خوی شهروندان می‌گذارد. شهر و انسان سالم از نظریات و رویکردهای نوین علم شهرسازی است که در این کتاب به خوبی به آن اشاره شده و روند شهرنشینی و چگونگی شکل‌گیری شهر از دیدگاه خلدون را ذیل بیست عنوان، طبقه‌بندی کرده است. مسعود علی‌مردانی (۱۳۸۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «ابن‌خلدون و اخلاق شهرنشینی»، به طور خاص، نظریات ابن‌خلدون در خصوص ویژگی‌های بادیه‌نشینان و شهرنشینان را مورد بررسی قرار داده است.

در سال‌های اخیر در سایر کشورهای اسلامی، توجه فراوانی به نظریات ابن‌خلدون صورت گرفته است. یکی از صاحب‌نظران این حوزه، عمّر چاپرا^۱، در مقاله‌ای تحت عنوان «تئوری توسعه ابن‌خلدون» که در سال ۲۰۰۸ میلادی در

۱ دکتر محمد عمر چاپرا (۱۹۳۳ م.)، متولد پاکستان (و شهروند عربستان)، اقتصاددان ارشد، مشاور پژوهشی در تحقیقات اسلامی، نویسندهٔ بیش از صد مقاله در حوزه اقتصاد اسلامی و اندیشه اسلامی است.



مجله الزویر به چاپ رسیده است، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌توان از تئوری توسعه ابن خلدون برای تشریح عملکرد ضعیف جهان اسلام در دنیای معاصر بهره برد؟ او به نقش انسان، عدالت، ثروت، مذهب و قدرت سیاسی در توسعه از منظر ابن خلدون اشاره می‌کند و این عوامل را به هم مرتبط و وابسته می‌داند. در همان سال، مقاله دیگری با عنوان «تفسیر اصول طراحی شهری به منظور دستیابی به شهرهای پایدار از دیدگاه ابن خلدون»، مسئله پایداری شهر را از دیدگاه ابن خلدون مورد بررسی اجمالی قرار داده است. نویسندگان مالزیایی این مقاله، اهمیت اندیشه‌های ابن خلدون در باب مسائل شهری را به طور خلاصه متذکر می‌شوند. در سال ۲۰۱۰ میلادی دکتر محمد ثابت حاجی محمد، از دانشگاه تکنولوژی مالزی، با مرجع قرار دادن دیدگاه چاپرا، به بررسی اندیشه‌های ابن خلدون در توسعه پایدار پرداخته و نمودار چاپرا را بازترسیم کرده است که به خوبی مفهوم توسعه پایدار از دیدگاه ابن خلدون را نشان می‌دهد (بنگرید به: نمودار ۸).

هرچند شمار مقالات در خصوص آراء ابن خلدون در سال‌های اخیر در ایران روندی رو به افزایش داشته که ذکر تمام آن‌ها در این بخش نمی‌گنجد، اما در هیچ یک از این آثار به طور مستقیم به دیدگاه توسعه پایدار و بررسی اصول این مفهوم در اندیشه ابن خلدون پرداخته نشده است. با این توضیحات، این مقاله، با تأکید بر بازخوانی مجدد آثار اندیشمندان مسلمان و با هدف بومی کردن مفاهیم و ایده‌های نوینی نظیر اندیشه توسعه پایدار شهری، به بررسی دیدگاه ابن خلدون در این حیطة می‌پردازد.

۴- روش تحقیق و مراحل انجام کار

در این پژوهش که از نوع بنیادی است از روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی برای تبیین موضوع مورد نظر استفاده شده و از منابع و اسناد کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. در گام نخست اصول و مفاهیم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری مورد مطالعه قرار گرفت. کتاب «مقدمه» ابن خلدون، انتخاب شد و مورد مطالعه دقیق محتوایی قرار گرفت. مفاهیم کلی شهر و شهرنشینی از دیدگاه وی بررسی شد و سپس مفهوم بطنی توسعه پایدار در شهر و بررسی ساحت‌های سه‌گانه اصول توسعه پایدار در جای‌جای اثر مورد تحلیل قرار گرفت. برای دستیابی به پاسخ سؤالات تحقیق علاوه بر کتاب «مقدمه»، از مقالات و کتبی که در این حیطة نگاشته شده است نیز استفاده شد

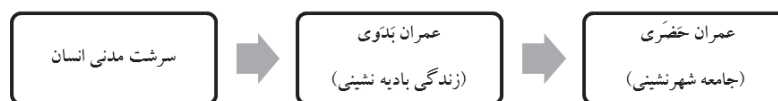


تا بتوان به مؤلفه‌های تحقق توسعه پایدار شهری از دیدگاه ابن خلدون نزدیکتر شد.

۵- توسعه پایدار از دیدگاه ابن خلدون

لازمه تحقق توسعه پایدار، تحقق پایداری در سه حوزه محیط‌زیست، فضای اجتماعی و ساحت اقتصادی است. برای پرداختن به نقطه‌نظر ابن خلدون در مقوله پایداری شهری، ابتدا به بررسی مفهوم شهر و شهرنشینی از دیدگاه او می‌پردازیم:

۵-۱- مفهوم شهرنشینی و چگونگی شکل‌گیری شهر از دیدگاه ابن خلدون ابن خلدون، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انسان نسبت به سایر موجودات را بحث عمران و اجتماع می‌داند. از نظر او اجتماع نوع انسان ضروری است، زیرا سرشت انسان، مدنی است و ناگزیر است که اجتماع تشکیل دهد. حکیمان در اصطلاح این خصیصه را مدنیت و شهرنشینی گویند. هرگاه اجتماعات برای انسان حاصل آید، ضرورت اقتضا می‌کند که با یکدیگر روابط گوناگون برقرار سازند که اولین ارتباطات در خصوص تأمین غذا و وسایل معاش و تأمین امنیت است (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۱) و انسان به ضرورت باید نیازمندی‌های خویش را برآورد. بنابراین از دیدگاه او انسان به دلیل خصوصیات ذاتی‌اش که ناشی از سرشت مدنی‌اش است، باید اجتماع تشکیل دهد و از زندگی بادیه‌نشینی (عمران بدوی) به زندگی شهرنشینی (عمران حَضری) روی آورد (بنگرید به: نمودار ۱).



نمودار ۱: شوق آرامش و شهرنشینی از طبایع بشر به شمار می‌رود.

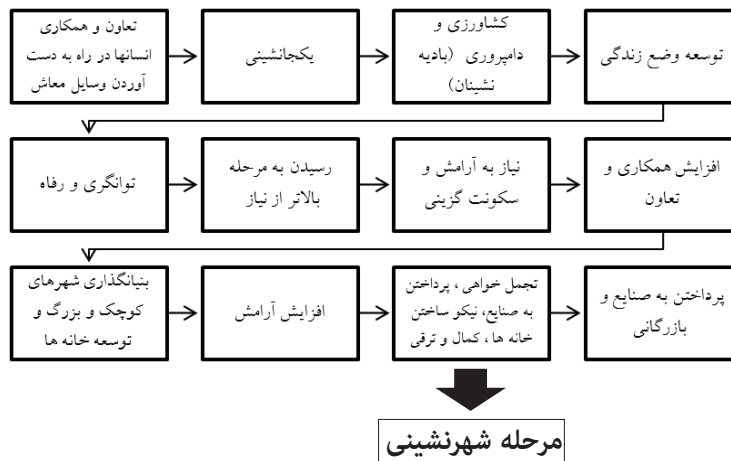
او می‌نویسد: «شهرنشینی عبارت است از تغفن در ناز و نعمت و استوارکردن و نیکو ساختن صنایع متداول به شیوه‌های گوناگون، از قبیل ساختمان‌ها و در راه بهتر کردن و زیبا ساختن هر یک از آن‌ها صنایع مخصوصی است که هر یک به دنبال دیگری می‌آید و به نسبت اختلاف تمایلات انسان در شهوات و لذت‌ها و نعمات و عادات تحمل خواهی و نعمت پروری و شیوه و رسوم گوناگونی که به دنبال هر یک پدید می‌آید آن صنایع نیز فزونی می‌یابد. بنابراین مرحله شهرنشینی خواهی نخواهی پس از مرحله بادیه‌نشینی پدید می‌آید، از این



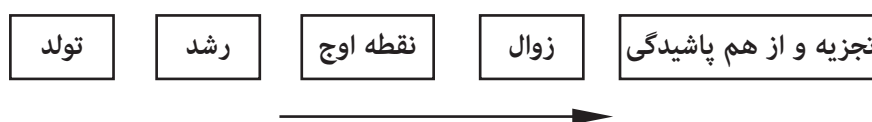
رو که دنبال کردن وسایل آسایش و تنعم در کشورداری از ضروریات است» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۳۲۷-۳۲۸). و در جای دیگری آورده است: «شهرنشینی یا حضارت عبارت از تفنن جویی در تجملات و بهتر کردن کیفیات آن و شیفتگی به صنایعی که کلیه انواع و فنون گوناگون آن‌ها ترقی می‌یابد» (همان، ۷۳۵). او بنیان‌گذاری شهرهای نخستین را در درجه اول نتیجه تعاون و همکاری مردم با یکدیگر در راه به دست آوردن وسایل معاش و امنیت می‌بیند و سپس بحث توانگری، رفاه، تجمل خواهی، سکون، آرامش و رسیدن به مرحله کمال شهرنشینی را مطرح می‌کند (بنگرید به: نمودار ۲).

۵-۲- عمر مطلوب شهر و شهر پایدار

ابن خلدون همانند انسان که عمر معینی دارد، برای شهر نیز عمری معین قائل است که مراحل تولد، رشد و پیری دارد: «سن مزبور برای دولت به مثابه سن شخصی است که از مرحله نمو به سن وقوف و سپس به مرحله رجوع و پیری می‌رسد» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۳۲۷). ابن خلدون تأکید می‌کند که برای بقا و پایداری رشد شهر و به زوال نینجامدن آن، در دوران رشد، نباید به مرحله توسعه بی حد و حصر نرسد و نرخ رشد آن باید کنترل شود (بنگرید به: نمودار ۳). او دولت قوی را عاملی مهم در احداث شهرها و بناهای ارزشمند می‌داند و از همین رو عمر مطلوب شهر را وابسته به عمر دولت نیز می‌داند: «اگر روزگار دولتی کوتاه باشد کیفیت توسعه و پیشرفت آن شهر هم پس از پایان یافتن فرمانروایی دولت مزبور متوقف خواهد شد و اجتماع و آبادانی آن تقلیل خواهد یافت و رو به ویرانی خواهد گذاشت (همان، ۶۷۴).



نمودار ۲: روند بنیان‌گذاری شهرهای نخستین



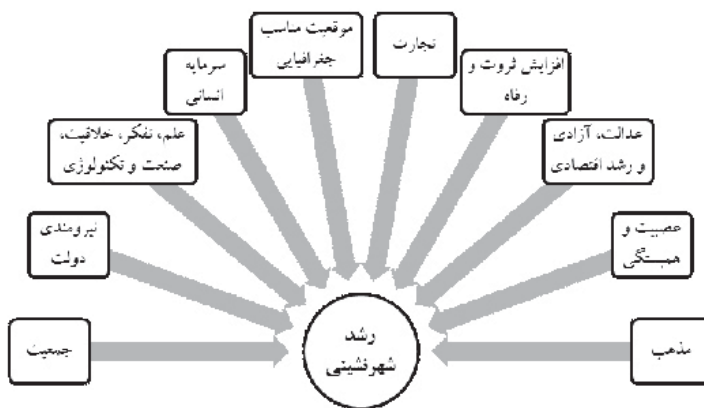
نمودار ۳: عمر محدود و معین هر شهر

۵-۳- مفهوم کلیدی ایده توسعه پایدار در اندیشه ابن‌خلدون

اصل توسعه پایدار مبتنی بر آینده‌نگری و افق دید بلندمدت در تمام برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست. دیدگاه ابن‌خلدون در بررسی اوج و فرود دولت‌ها، بازه زمانی سه نسل است. در کتاب «مقدمه»، ابن‌خلدون، نگرشی بلندمدت به تمام موضوعات شهری دارد و به بحث عمر شهر و نسل‌های آینده پرداخته است. او «زمان» را در اجرایی کردن طرح‌ها خصوصاً پروژه‌های بزرگ مقیاس، عاملی مهم می‌داند: «عمر دولت اغلب از سه پشت، بیشتر نیست و هر پشت عبارت است از سن متوسط یک شخص که چهل سال باشد، چهل سالگی پایان دوره رشد و نمو تا غایت آن است، معمولاً دولت‌ها از سن صد و بیست سال تجاوز نمی‌کنند و اندکی پیش یا پس از آن منقرض می‌گردند مگر آنکه عارضه دیگری از قبیل فقدان مدعی دولت روی دهد» (ابن‌خلدون، ۱۳۸۸).



۳۲۷). عنوان کردن بازه زمانی صد و بیست ساله توسط ابن خلدون به عنوان عمر مطلوب شهرها، دیدگاه آینده‌نگر و توجه وی به نسل‌های آینده را نشان می‌دهد، همان رویکردی که در بحث توسعه پایدار دنبال می‌شود. ابن خلدون چرخه رشد و زوال شهرها را با افق دیدی بلندمدت ترسیم می‌کند. مباحثی که او در توسعه و زوال شهرها مؤثر می‌داند، تعبیری کامل‌تر از عواملی است که امروزه در پایداری شهرها مهم برشمرده می‌شوند. (بنگرید به: نمودار ۴ و ۶) او رشد و زوال تمدن را در ساحت‌های مختلف روحی، مذهبی، شرایط اقتصادی، سیاسی، کالبدی، زیست‌محیطی و موضوعات اجتماعی می‌بیند. در نظریه او بین تمام موارد ذکر شده ارتباطی قوی و دقیق برقرار است، به نحوی که ضعف هر عامل، تأثیرگذار بر بخش‌های دیگر بوده و تقویت یک عامل، می‌تواند رشد عوامل دیگر را به دنبال داشته باشد. نمودار ذیل مؤلفه‌های مؤثر بر رشد شهر و روند شهرنشینی از منظر ابن خلدون را نشان می‌دهد که هر یک بر پایداری شهر تأثیر گذارند.



نمودار ۴: عوامل مؤثر بر رشد شهر و شهرنشینی از دیدگاه ابن خلدون

۵-۴- ارتباط متقابل عناصر مؤثر بر رشد و زوال تمدن به مثابه تأثیر اصول سه‌گانه توسعه پایدار در رشد و افول جامعه

همان‌طور که در بحث از توسعه پایدار، دستیابی به توسعه در سه زمینه مختلف بررسی می‌شود، ابن خلدون نیز عوامل متعددی را در رشد و زوال تمدن مهم می‌داند. عمّر چابرا، دلایل رشد و افول تمدن و ارتباط میان مؤلفه‌های مؤثر بر آن را در نمودار ذیل بیان کرده است (نمودار ۵). او تأکید کرده است که از



دیدگاه ابن‌خلدون، توسعه و یا افول یک شهر و یا شرایط اقتصادی یک جامعه به یک عامل بستگی ندارد، بلکه عوامل متعددی در آن نقش دارند: توسعه شهر نتیجه برهم‌کنش عواملی همچون مسائل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی، در یک بازه زمانی طولانی است. این سیستم، مکانیزم ماشه‌ای دارد، یعنی اگر یکی از این عوامل در جهت رشد یا زوال رود، چنانچه سایر عوامل در همان جهت عمل کنند، با توجه به اتصال زنجیره‌ای به یکدیگر، توسعه و یا افول در همان جهت سرعت گرفته و محقق می‌شود و رشد یا زوال رخ خواهد داد (چاپرا، ۲۰۰۸). در بسیاری از موارد نیز علت یابی دشوار خواهد بود و دقیقاً معلوم نیست که کدام مؤلفه، موجبات رشد و توسعه و یا زوال و فروپاشی را فراهم آورده است. زیرا مجموعه‌ای از عوامل در رسیدن به توسعه و یا رسیدن به مرحله زوال نقش دارند. نمودار ۵ را این‌گونه می‌توان تفسیر کرد که: در یک جامعه، قدرت حاکمیت از طریق اجرای شریعت محقق می‌شود؛ شریعت از طریق حاکمیت اجرا می‌شود؛ حاکمیت، قدرت را فقط از طریق مردم به دست می‌آورد؛ ثروت و مال نوعی پایداری برای مردم به ارمغان می‌آورد؛ ثروت جز از طریق توسعه حاصل نمی‌شود و توسعه جز از طریق عدالت به دست نمی‌آید؛ عدالت همان میزانی است که انسان از طریق آن ارزیابی می‌شود؛ حاکمیت، مسئول و عهده‌دار عملی کردن عدالت است (چاپرا، ۲۰۰۸). در این نمودار، عواملی که در توسعه یک جامعه می‌تواند نقش داشته باشد ترسیم شده که همگی این موارد، به هم وابسته بوده و حتماً یکی بر دیگری اثرگذار خواهد بود.



الف: قدرت سیاسی
ب: عدالت و توسعه،
ج: ثروت (سهم از منابع)
د: مردم
ه: باورهای دینی

نمودار ۵ - ارتباط متقابل عوامل مؤثر بر رشد و زوال تمدن از منظر ابن‌خلدون، مأخذ: چاپرا، ۲۰۰۸

قدرت دولت، بستگی به حمایت مردم دارد و پشتیبانی مردم، بسته به امر معاش آنهاست. امر معاش مردم نیز به میزان دسترسی به ثروت بستگی دارد؛



دسترسی به ثروت به میزان مشارکت مردم در امور توسعه وابسته است. مشارکت در توسعه زمانی حاصل می‌شود که بر پایه عدالتی که مبتنی بر اصول اخلاقی، قانونی و حقوقی است، پایه‌گذاری شده باشد و این دقیقاً تفسیر نمودار معروف توسعه پایدار است که همبستگی و ارتباط متقابل مؤلفه‌ها را در سه ساحت اقتصاد، اجتماع و محیط زیست می‌بیند (بنگرید به: نمودار ۶).



نمودار ۶ سه ساحت مهم در مبحث توسعه پایدار
مأخذ: World Bank, Tatyana

همان‌گونه که در نمودار ۶ دیده می‌شود، اصل توسعه پایدار در سه حیطه، حاوی مضامین عمیق است و در صورتی توسعه پایدار حاصل می‌شود که رشد در هر سه زمینه اتفاق بیفتد، فصل مشترک این دوایر متداخل، نشانگر حالتی است که توسعه پایدار با توجه به رشد اجتماعی، اقتصادی و زیست

محیطی محقق می‌گردد. در کتاب مقدمه نیز برای دستیابی به توسعه و رشد شهری، اشاراتی دقیق و مشخص به این سه موضوع شده است که در ادامه مقاله به تفکیک خواهد آمد.

۶- بررسی اصول سه‌گانه توسعه پایدار شهری در آراء ابن خلدون ۶-۱- ساحت اجتماعی (پایداری اجتماعی): ۶-۱-۱- تعاملات و همبستگی اجتماعی؛ عصبیت؛ عاملی مهم جهت رسیدن به رشد و توسعه

حیطه مسائل اجتماعی و اهمیت دادن به انسان، از اجزاء مهم دستیابی به یک توسعه پایدار به شمار می‌رود. در نمودار معروف پایداری (نمودار ۶)، یکی از عناصر اصلی نمودار، مقوله اجتماع است که مهم‌ترین عنصر آن انسان است: «در تعریف موضوعات توسعه پایدار، انسان نقش اصلی را ایفا می‌نماید. انسان است که برنامه‌های خاص اقتصادی را تهیه و اجرا می‌کند، انسان است که تشکیل‌دهنده جامعه است. به این ترتیب در مقوله هدایت موضوعات مطرح در توسعه پایدار نیاز به حضور «انسان پایدار» خواهد بود» (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۴۴).



اهمیت نقش انسان، تعاملات و ارتباطات اجتماعی او در رشد و توسعه شهر، از مهم‌ترین نظریه‌هایی است که ابن خلدون تحت عنوان مفهوم «عصبیت» در کتاب «مقدمه» از آن یاد می‌کند: «عصبیت، روح جماعت و همبستگی اجتماعی است. عصبیت به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه جامعه، از ریشه غضب، یعنی پیوند دادن فرد به گروه مشتق شده است. عصبیت انعکاس عینی انسجام اجتماعی بوده و نوعی پیوند اجتماعی است که می‌توان آن را برای سنجیدن قدرت و ثبات گروه‌های اجتماعی به کار برد. این مفهوم عقیده به پیوندی را می‌رساند که سبب انسجام گروه‌های اجتماعی می‌گردد» (بعلی، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۹).

عصبیت، از راه پیوند نسبی و وابستگی خاندان‌ها به یکدیگر، و همچنین از طریق همبستگی قوی اجتماعی (خویشاوندی و یاری‌رساندن به یکدیگر و هم سوگندی و پیمان دوستی) حاصل می‌شود. دیدگاه هوشمندانه ابن خلدون در خصوص انگیزه‌های پویا و فعال فرایندهای اجتماعی در توسعه شهر، مثال زدنی است و در این حیطة، با برترین متفکران غربی برابری می‌کند. «عصبیت از دیدگاه وی دارای کارکردهای متعددی است که می‌توان آن را در سه سطح؛ پیوند فرد با گروه؛ انسجام درون گروهی و انسجام در سطح فراگروهی یا کلان ذکر کرد» (آزادارمکی، ۱۳۹۰: ۳۰۹). مفهوم عصبیت و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی که با خود به دنبال دارد، از مهم‌ترین مباحث برای دستیابی به رفاه اجتماعی در یک شهر است و هرگاه رنگ عصبیت و همبستگی در جامعه‌ای کمرنگ شود، نمی‌توان به توسعه و رشد مطلوب دست یافت (گیرر، ۲۰۰۸). ابن خلدون تأکید دارد که عامل دیگری که در کنار عصبیت باعث پیشرفت می‌شود بحث فضیلت و اخلاقیات است که هر کسی که «خواستار رسیدن به حکومت است، و یا هر جامعه موفقی، باید به آن متصف باشد» (طه حسین، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

حسن بزرگی که عصبیت دارد، ایجاد روحیه تعاون، یاریگری و همکاری است. این پیوند و خویشاوندی، حس وحدتی بین مردم به وجود می‌آورد که از دیدگاه ابن خلدون، از صفات مطلوب محیط‌زیست به شمار می‌رود، یعنی انسان در مکانی زیست کند که امنیت و اطمینان و پشتوانه‌ای قوی از دیگر افراد را به خصوص در مواقع سختی در کنار خود داشته باشد و این همان اصل مهم اهمیت ساحت اجتماعی در مفهوم توسعه پایدار است: امروزه یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تجزیه و تحلیل و درک واقعیات محیط‌های شهری، بررسی زمینه‌های



فرهنگی و اجتماعی و عواملی است که موجب پویایی، تحرک و توسعه این حوزه می‌گردد (پوسیچ، ۲۰۰۴).

عصبیت، احساس تعلق به جامعه را حقیق ساخته و مانع از خود بیگانگی فرهنگی می‌شود؛ دوام جامعه را تضمین کرده و نقش قوی و قدرتمندی در خصوص احساس هویت جمعی و فردی ایفا می‌نماید: «عادات و رسوم و آیین‌های زندگی در شهرهای کهن استوار می‌شود و تا نسل‌ها ریشه می‌دواند مانند رنگ ثابتی که در پارچه‌ای نفوذ می‌کند، تا زمانی که پارچه باقیست رنگ هم باقی است و در نسل‌های پی در پی ریشه می‌دواند و هرگاه صبغه‌ای استوار گردد زایل کردن آن دشوار می‌شود» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۷۹۵). عصبیت یا روح جماعت، رمز مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و شهری است. هدف عصبیت، عبارت است از حمایت و دفاع و مطالبه حقوق و هر امری که بر آن اجتماع می‌کنند. در واقع، از منظر ابن خلدونی، قومی که عصبیت نداشته باشد، به هیچ کاری توفیق نمی‌یابد (لاکوست، ۱۳۸۵: ۱۲۷).

۶-۱-۲- نقش دولت در رشد پایدار شهری

ابن خلدون در کتاب «مقدمه» متذکر می‌شود که عمر یک دولت برابر با عمر شهر است و پایان تمدن شهری و یا فروپاشی شهرها تا حدی وابسته به عدم قدرت دولت دارد. به عقیده ابن خلدون، «عمر یک موجود زنده، وابسته به قدرت مزاج اوست و مزاج دولت‌ها بی‌شک همان عصبیت است. هر گاه عصبیت دولتی نیرومند باشد مزاج آن تابع عصبیت خواهد گشت و دوران فرمانروایی و عمر آن دراز خواهد بود» (جمشیدیها، ۱۳۸۳: ۱۴۳). همچنین «ابن خلدون تأسیس دولت جدید و تحولات آن را راهی برای تغییر و تحول در درون نظام اجتماعی می‌بیند؛ او زمینه و عوامل مؤثر در پیدایش، توسعه و افول دولت را در یک فرایند تاریخی تبیین می‌کند» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۲۸۳). در کتاب مقدمه آمده است که «آثار فاخر و ارزشمند در پرتو نیرویی ایجاد می‌شود که دولت دارا است و هر یادگار و اثری که به جای می‌ماند به نسبت آن نیرو است. برای ساختن قصبات و بنیان نهادن شهرهای بزرگ هیچ راهی نیست جز آنکه به نیروی دولت انجام پذیرد، چراکه بنیان نهادن بناهای عظیم و عمارات باشکوه از امور ضروری مردم به شمار نمی‌رود، اگر مدت فرمانروایی آن دولت دراز باشد، ساخت خانه‌ها و کاخ‌های وسیع و بی‌شمار در آن توسعه خواهد یافت و دایره حصارهای آن پهناور خواهد شد» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۶۷۴).



۶-۲- ساحت زیست‌محیطی (پایداری محیطی):

۶-۲-۱- توجه به محیط زیست جهت دستیابی به توسعه کمال‌گرا
با مطالعه متون اسلامی مشخص می‌شود که «تفکر اسلامی در رابطه طبیعت و ارتباط انسان با آن و نحوه استفاده از منابع طبیعی اهدافی بسیار والاتر از آنچه توسط توسعه پایدار مطرح می‌شود توصیه می‌کند» (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۴۵). آموزه‌های دین اسلام در توصیه به حفاظت از محیط زیست و توجه به چگونگی مصرف منابع و جلوگیری از اسراف، همواره پیشگام بوده است: «تعالیم قرآنی با بیان اصولی بنیادین، نحوه بهره‌گیری از منابع طبیعی را در قالب ارزش‌هایی که برای حیات انسان توصیه شده‌اند، به وضوح تبیین می‌نماید. اصولی همچون کمال‌جویی، اجتناب از اسراف و تبذیر، رعایت اعتدال و غیره مشخص می‌کنند که هرگونه دخل و تصرفی در طبیعت می‌بایست در جهت کمال و اصلاح بوده و از هرگونه فساد و تباهی، بری باشد. این عدالت‌جویی و رفتار عادلانه در مواجهه با طبیعت ایده توسعه پایدار در خصوص حفاظت از منابع طبیعی و پایان‌پذیر را در خود مستتر دارد» (نقی زاده، ۱۳۸۴: ۳۴ و ۴۴).

از منظر ابن‌خلدون، محیط‌زیست همانند کاتالیزوری برای رشد شهری است؛ و منطقه‌ای که از لحاظ زیستی سالم و دارای آب، درخت و منابع طبیعی بوده و نزدیک به دریا و مسیرهای حمل‌ونقل جهت تسهیل امور تجاری باشد، موجبات رشد شهر را فراهم می‌کند. به منظور دستیابی به توسعه سرزمین و مدیریت آن، اصول رشد متوسط و کنترل شده کمک خواهد کرد تا بهره‌برداری از منابع و کسب سود نیز متعادل شده و به نیاز نسل‌های آینده پاسخ داده شود. امور ساخت‌وساز و تمامی فعالیت‌ها فقط برای کسب سود بیشتر نخواهد بود، بلکه مراقبت از محیط‌زیست و برآوردن نیازهای اقتصادی اجتماعی دیگر افراد نیز در نظر گرفته خواهد شد (ثابت حاجی محمد، ۲۰۱۰). نمودارهای ۸، ۱۱ و ۱۲ که در انتهای این مقاله آمده است، حاکی از رویکرد ابن‌خلدون در خصوص چگونگی مصرف منابع طبیعی است. از نظر او هرگونه مصرف و هر نوع رشدی اگر کنترل نشود، محکوم به زوال است، و او آن را شدیداً تقبیح می‌کند. نگاه جامع‌نگر وی در این حیطة، هماهنگ با اصل توسعه پایدار در خصوص حفاظت از منابع است.

ابن‌خلدون بر شهر سالم و تأثیر آن بر پرورش انسان سالم تأکید فراوان دارد. او با اشاره به اهمیت تأثیر هوای سالم بر روح و جسم و اثرات منفی هوا و غذای ناسالم، زندگی بادیه‌نشینی را برتر از شهرنشینی می‌داند: «شهرهایی که در آن خوبی هوا وجود ندارد، مردم دچار امراض گوناگون می‌گردند و هوای نامناسب



موجب می‌شود تا نشاط روح شهرنشینان از میان برود. بیماری‌ها در شهرها بیشتر است زیرا خوراکی‌های فراوان‌تری در دسترس است و کمتر به یک نوع غذا اکتفا می‌شود» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۶۸۴). به نظر ابن خلدون، «بادیه‌نشینان به دلیل سختی در تهیه معاش و کمبود آن و عادات بدن به کم غذایی از سلامت جسمی و روانی بیشتری برخوردارند» (ربانی و رضانی، ۱۳۸۵: ۶۲). او همچنین معتقد است که سازندگان شهر نباید از حسن انتخاب جایگاه شهر غفلت کنند و نزدیک بودن شهر به آب، چراگاه، مزارع و کشتزارها، درختان فراوان را برای شکل‌گیری شهر و انسان سالم ضروری می‌شمرد.

۶-۳- ساحت اقتصادی (پایداری اقتصادی):

۶-۳-۱- توسعه اقتصادی، عدالت، توسعه شهری

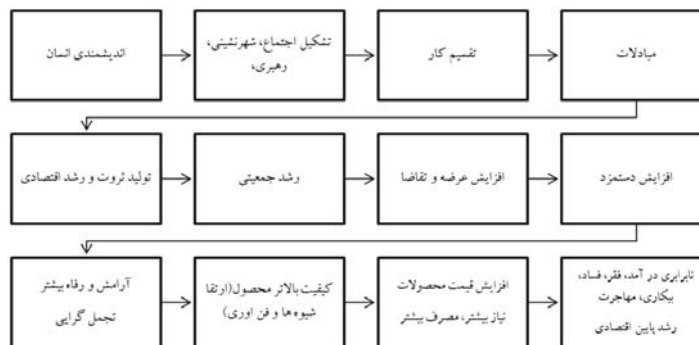
ابن خلدون بر بحث اقتصاد که در کتابش از آن به «امرار معاش» یاد کرده، بسیار تأکید می‌کند و اهمیت کار، مشاغل، خودکفایی و توسعه اقتصادی در توسعه و رشد شهر در کار او بسیار پررنگ است، تا آنجا که حتی در یک مورد، شهر را بر مبنای شرایط اقتصادی تعریف می‌کند. از نظر او شهرهایی که «کارشان برای فراهم آوردن ضروریات زندگی وافی نیست را نمی‌توان شهر به شمار آورد و در زمره قریه و دهکده آن‌ها را قرار می‌دهد، مردم این‌گونه شهرهای کوچک، ضعیف احوال‌اند و تا حدی دچار فقر و بینوایی هستند» (ابن خلدون، ۱۳۸۸: ۷۱۵). هرچه تنوع کار و تخصص بیشتر شود، رشد ثروت نیز بیشتر خواهد شد. نظریه ابن خلدون را می‌توان در نهادهای تعاونی امروز مشاهده کرد: یک نفر هرگز نمی‌تواند از پس برآورده ساختن نیازهای خود برآید و باید با دیگران همکاری کند. این امر به تولید و ثروت مازاد بر تولید، و در نهایت به خرید کالاهای لوکس می‌انجامد. این امر مهم، زمانی حاصل می‌شود که دسترسی به ثروت برای همگان امکان‌پذیر باشد (احمد، ۲۰۰۸).

عدالت، از اصلی‌ترین مباحث توسعه است. فعالیت‌های توسعه شامل تجارت، کشاورزی، بخش صنعت و ساخت‌وساز هستند و مشارکت در این فعالیت‌ها توسط آحاد مردم، باید منصفانه و عادلانه باشد. زمانی که بحث ثروت و انگیزه و دسترسی عادلانه جهت مشارکت مردمی در فعالیت‌های توسعه وجود داشته باشد، هر زمان و در هر کجا که فرصت توسعه وجود داشته باشد مردم آن‌ها را بلافاصله جذب می‌کنند و باعث پیشرفت سرمایه‌گذاری، توسعه مهارت‌ها و خدمات خواهند شد (ثابت حاجی محمد، ۲۰۱۰). نکته بسیار ارزشمند و همگام با اصل توسعه پایدار در دیدگاه ابن خلدون، آن است که رشد و توسعه



اقتصادی، اگر بدون کنترل شدن و محدود نمودن پیش رود، محکوم به زوال است، برای رسیدن به یک توسعه پایدار و همیشگی، می‌بایست در روند رشد و توسعه کنترل صورت گیرد تا به زوال و فروپاشی نینجامد. پایداری سرمایه‌ها می‌تواند به عنوان یکی از اصلی‌ترین خصیصه‌های بارز دیدگاه توسعه پایدار به شمار رود. پس از شکل‌گیری شهر، همان‌طور که ذکر شد، عادات تجمل‌گرایی و حرص و طمع که از صفات ذاتی انسان است بیشتر نمایان شده و هزینه‌های اضافی و غیرضروری ایجاد می‌شود و در نهایت، با بالا رفتن هزینه‌های اقتصادی و نابرابری درآمدها و مهاجرت‌ها، ناپایداری اوضاع اقتصادی و زوال تمدن و اجتماع رخ خواهد داد (بنگرید به: نمودار ۷).

«اما فسادی که در نهاد یک‌یک از اهالی شهر راه می‌یابد عبارت است از رنج بردن و تحمل سختی‌ها برای نیازمندی‌های ناشی از عادات و در نتیجه فسق و شرارت و پستی و حيله ورزی در راه به دست آوردن معاش خواه از راه صحیح خواه از بیراهه فزونی می‌یابد و نفس انسان به اندیشیدن در این امور فرو می‌رود و در این‌گونه کارها غوطه‌ور می‌شود و انواع حيله‌ها در آن به کار می‌برد چنانکه این افراد بر دروغ‌گویی، قماربازی، فریبندگی و پیمان‌شکنی و ربا در معاملات گستاخ می‌شوند. شهرنشینان به راه‌ها و شیوه‌های فسق و بدکاری آگاه‌تر هستند شهرنشینان به مکر و فریبکاری داناترند و چنان صفاتی به منزله عادت و خوی در وجودشان محکم می‌شود و شهر همچون دریایی می‌شود که امواج فرومایگان و صاحبان اخلاق زشت و ناپسند در آن به جنبش در می‌آید و هرگاه این‌گونه رذایل در شهر یا در میان مردم تعمیم یابد خداوند ویرانی و انقراض آنان را اعلام می‌فرماید. (ابن‌خلدون، ۱۳۸۸: ۷۳۷-۷۳۸)

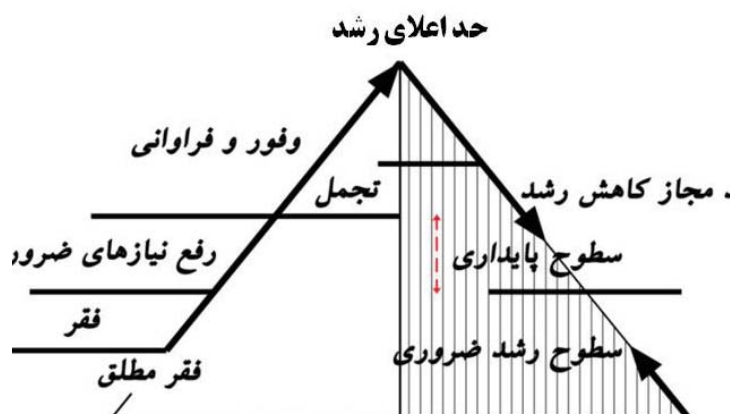


نمودار ۷ - چرایی عدم رشد پایدار شهر در صورت توسعه کنترل نشده اقتصادی از منظر ابن‌خلدون، مأخذ: سیدعقیل، ۲۰۱۰



۴-۶- الگوی رشد و توسعه ابن خلدون: حرکت از فقر به سوی فراوانی و ثبات در مرحله پایداری

از منظر ابن خلدون، برای رسیدن به توسعه می‌بایست جامعه از مرحله فقر مطلق حرکت کرده و گام به گام روند صعودی توسعه را بپیماید. آنچه در این میان اهمتی دارد، بحث کنترل و هدایت در نقطه اوج توسعه است (بنگرید به: نمودار ۸) در دوره توسعه باید از مواردی مثل فقر مطلق و رفع نیازهای ضروری عبور کرد و به مرحله بالاتر رسید، اما «در این مرحله باید رشد را کنترل کرد چون ممکن است به گونه‌ای نامحدود و ناصحیح ادامه یابد. در نوک هرم باید اجازه داد تا تعادلی حاصل گردد و کاهشی صورت پذیرد اما همچنان روند رشد را کنترل نمود تا زیر خط فقر نیاید، پایداری زمانی حاصل می‌شود که درآمد شهروندان حتماً بالای خط فقر بماند» (ثابت حاجی-محمد، ۲۰۱۰: ۱۱).



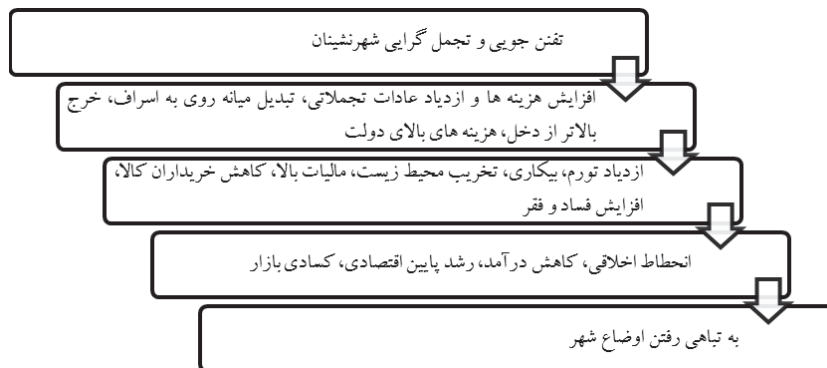
نمودار ۸- دیاگرام تئوری توسعه کنترل شده و توسعه میانه رو از دیدگاه ابن خلدون، مأخذ: ثابت حاجی محمد، ۲۰۱۰

نمودار ۸ به خوبی دیدگاه ابن خلدون در خصوص مفهوم توسعه پایدار را نشان می‌دهد: ضلع سمت چپ، از پایین‌ترین حالت اقتصادی یک جامعه یعنی فقر مطلق آغاز می‌شود و در گام‌های بعدی از این مرحله عبور می‌کند تا از لحاظ قدرت اقتصادی و توانایی رفع نیاز عموم مردم و یا دولت‌ها به رأس و قله هرم می‌رسد. این نقطه، نقطه‌ای است بحرانی که اگر با مهارت و تخصص هدایت‌گری نشود و توانایی رفع نیازها، فراوانی و تجمل‌گرایی بی‌حد و حصر افزایش یابد، زوال تمدن رخ خواهد داد. از این رو باید کنترل صورت گیرد تا همان‌طور که



در ضلع شرقی هرم دیده می‌شود، حدّ توسعه در جایگاهی بین سطوح رشدِ ضروری و حدّ مجاز کاهش رشد، همواره برقرار بماند. در نمودار ۸ این جایگاه با عنوان سطوح پایداری نشان داده شده است.

از منظر ابن خلدون، مبارزه در قسمت بالای هرم باعث انحطاط اخلاقی میان شهرنشینان می‌شود. به همین دلیل می‌بایست توسعه اقتصادی به همراه عوامل دیگر همانند تحولات اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و ادغام شود و برای محدوده رشد و مصرف، کنترل صورت گیرد. تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی بی‌حد و حصر و عدم صرفه‌جویی و بی‌توجهی به کنترل مصرف در نهایت، باعث به تباهی رفتن اوضاع شهر می‌شود (بنگرید به: نمودار ۹). هرگاه ترقیات شهری به انحطاط مبدل شود و به علت درهم شکستن عمران و تقلیل یافتن ساکنان در سراسر شهر بحران و فرتوتی قرار گیرد، تجمل‌خواهی نقصان خواهد یافت و مردم همانند دوران بادیه‌نشینی به ضروریات اکتفا خواهند کرد و در نتیجه صنایع بی‌رونق خواهند شد و نهایتاً رو به نقصان می‌روند تا اینکه مضمحل شوند.



نمودار ۹ - به تباهی رفتن اوضاع شهر ناشی از تجمل‌گرایی شهرنشینان

ابن خلدون اذعان می‌دارد که زمانی ثروت رشد خواهد کرد که برای رفاه مردم مصرف شود تا بدین ترتیب، سختی‌های زندگی مردم کمتر شده و با تامین بیشتر رفاه و سعادت عمومی، رضایت مردم از حکومت نیز بیشتر شود. آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مراقبت از سلامت اخلاقی و معنوی، موجب رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. توسعه بدون مزایای فوق، برای طبقه ضعیف جامعه، توسعه ناپایدار است. ابن خلدون دولت را به توجه به رفاه مردم تشویق



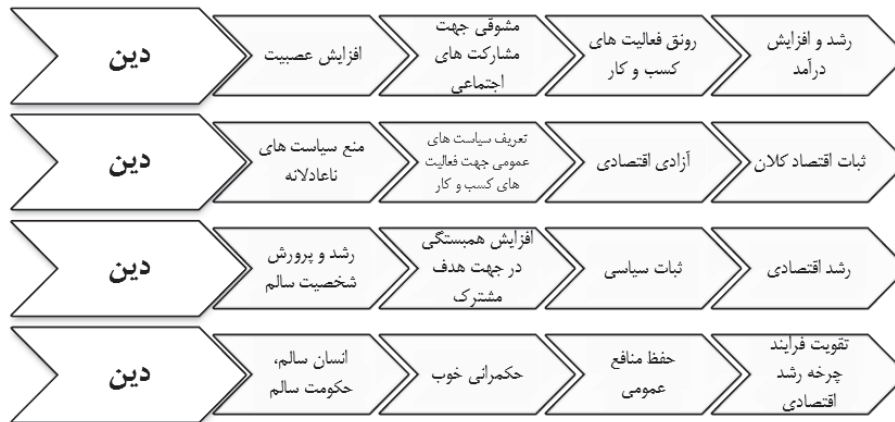
می‌کند زیرا می‌داند صرف کار، به تنهایی، نمی‌تواند برای امرار معاش مردم و توانمندسازی اقتصادی کافی باشد. مسلماً در جامعه‌ای که بخشی از مردم در گرسنگی بوده و نادیده انگاشته شوند، توسعه پایدار محقق نشده است.

۶-۵- ساحت روحانی و مذهبی (پایداری ساحت فکری و عقیدتی شهر)

در نسخه غربی مفهوم توسعه پایدار، توجه به ساحت روحانی و مذهبی مغفول مانده است. علی‌رغم آن که «انسان به عنوان محور و موضوع اصلی توسعه پایدار مطرح است، به ساحت روحانی و معنوی وی توجه نشده است، البته این خصیصه غالب و مسلط بر ایده‌ها و تفکرات سده‌های اخیر جوامع مدرن است که تمرکز اصلی را بر امور مادی و حداکثر جنبه نفسانی و نه بعد معنوی و روحانی حیات متوجه می‌نمایند» (نقی زاده، ۱۳۸۵: ۴۴۴) اما ابن خلدون برای دستیابی به رشدی پایدار این مهم را از یاد نمی‌برد و بر اهمیت مذهب و شریعت به عنوان عاملی مهم در پایداری یک تمدن تأکید می‌کند. وی اشاره می‌دارد که نیروی دین و مذهب بر قدرت عصیبت می‌افزاید. دعوت دینی بدون عصیبت، انجام‌پذیر نیست. دین، تقویت‌کننده الفت در دل‌هاست و عصیبت را افزایش می‌دهد، همچنان که یکی از ابزارهای کنترل اجتماعی، مذهب است. بین عصیبت و مذهب به عنوان نهاد اجتماعی و ابزار کنترل اجتماعی، رابطه‌ای محکم وجود دارد: مذهب، همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند (بعلی، ۱۳۸۲: ۵۴-۶۱). و «مذهب و دین رسمی عاملی اساسی و انکارناپذیر در شکل‌گیری فرهنگ مردم در شهرهاست، عامل دین، به عنوان محور وحدت و شاخص اجتماعی همواره در سرزمین‌های اسلامی مطرح بوده است» (علیمردانی، ۱۳۸۳: ۲۳۷). در واقع، دین عاملی است جهت ممنوعیت سیاست‌گذاری‌های ناعادلانه و مشوق انسان در جهت کسب و کار، و به دلیل معرفی روش‌های سالم و مساعد جهت فعالیت‌ها، باعث ثبات اقتصاد و پایداری اقتصادی شده (بنگرید به: نمودار ۱۰) و منجر به توسعه شخصیت سالم انسانی و محافظت از منافع عمومی می‌شود. قانون و عدالت در جامعه اسلامی، بخشی از شریعت است. شریعت از مذهب، زندگی، عقل، نسل و اموال شهروندان محافظت می‌کند؛ بنابراین وجود قوانین کیفری و مدنی و تعهدات شهروندان باعث می‌شود که سطحی از یقین نسبت به اجرای قوانین وجود داشته باشد. چون شهروندان شریعت را قبول دارند، مشروعیت قوانین و اجرای آن توسط حکومت را نیز قبول می‌کنند (ثابت حاجی محمد، ۲۰۱۰). از همه مهم‌تر توجه به این نکته است که «آنچه در غیاب قانون و مأمور قانون انسان را از ارتکاب خطاها حفظ می‌نماید و ذهن و روح انسان را



کنترل می نماید، اخلاق، معنویت و تفکر دینی است» (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۳۱) و (۱۳۹۰)



نمودار ۱۰. تأثیر دین و مذهب بر رشد اقتصادی از منظر ابن خلدون، مأخذ: سیدعقیل، ۲۰۱۰

۷- توسعه میانه رو (توسعه متعادل): تئوری ابن خلدون جهت دستیابی به توسعه پایدار شهری

از منظر ابن خلدون، صعود و توسعه بدون محدودیت، نتیجه منفی به دنبال دارد. به عبارت دیگر اگر چنین سؤالی مطرح شود که آیا رسیدن به مرحله بیش از فراوانی و نیاز (مرحله اوج و قله) در هر زمینه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی)، همواره نتیجه‌ای مثبت در پی دارد، یقیناً پاسخ ابن خلدون، منفی است. این یکی از زیباترین اشکال طرح بحث توسعه پایدار است: توسعه‌ای می‌تواند باعث رشد و شکوفایی شده و دوام داشته باشد که در بخش اوج، کنترل شود و انسان را در وضعیت مصرف بیش از حد، رفاه‌زدگی، حرص و طمع قرار ندهد و زمینه‌ساز ظهور صفاتی نشود که باعث تضعیف روح انسانی شده و در نهایت، همبستگی و کاهش قدرت سیاسی و اجتماعی را کاهش می‌دهند: «گرایش به فزونخواهی و زیاده‌طلبی، آحاد جامعه را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد و زمینه رقابت های ناسالم را فراهم می‌نماید، در مقابل پیروی از تعادل، میانه‌روی و قناعت عامل پایداری خواهد بود. توجه به این موضوعات نوعی ظهور عدالت و احساس مساوات را در جامعه فراهم می‌آورد که عاملی جهت آرامش و پایداری انسان است» (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۳۳). دو



نمودار ذیل، خوانشی است از توسعه‌ای که به زوال و فروپاشی می‌انجامد و توسعه‌ای که روندی پایا دارد: نمودار ۱۲ حاکی از توسعه‌ای است که به دلیل عدم-کنترل نرخ رشد در حد اعلاّی توسعه، به فروپاشی و زوال می‌انجامد و نمودار ۱۱ توسعه‌ای را نشان می‌دهد که در نهایت، به پایداری خواهد رسید. این نمودار در تمامی ساحت‌ها می‌تواند تحلیل شود و توسعه پایدار را در تمام حیطه‌ها توضیح دهد. کنترل، می‌تواند در زمینه‌هایی مانند نرخ افزایش یا کاهش جمعیت، وضعیت مهاجرپذیری و یا مهاجرفرستی، استفاده از اراضی کشاورزی و منابع طبیعی، اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و به طور جامع، داشتن برنامه و سیستم کنترل‌گر در تمام ساحت‌هایی که مرتبط با رشد و توسعه شهر و مدیریت شهری است، تعریف شود. آنچه اهمیت دارد اهتمام به کنترل و میانه‌روی در روند رشد و توسعه است.

۸- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد و جهان‌شمول دنیای معاصر یعنی «توسعه پایدار» در اندیشه ابن‌خلدون پرداخته شد. تحقیق حاضر مهر تأییدی است بر این امر مهم که توسعه پایدار از حیث مفهومی، ایده‌ای نو نیست و در آثار متفکرینی از جمله ابن‌خلدون به دقت شرح داده شده است. نتیجه حاصل از این تحقیق، پیش از هر چیز نشان می‌دهد که ایده‌ها و نظرات ابن‌خلدون بسی فراتر از زمان خودش بوده و هست. بسیاری از آراء او با مباحث مطرح در دنیای معاصر همگام هستند که در ساحت‌های مختلفی، از جمله در مبحث توسعه پایدار، می‌توان از آن‌ها بهره جست. «کتاب‌ها و مقالات چاپ‌شده درباره جنبه‌های گوناگون دیدگاه‌های ابن‌خلدون نشان از نو بودن میراث فکری وی دارد» (جمشیدیها، ۱۳۷۷، ۵۴). توسعه پایدار در سه حیطه دارای مضامین عمیق و مهمی است: اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست. با بررسی نظرات ابن‌خلدون در کتاب «مقدمه»، دیدگاه وی در این سه زمینه مورد بررسی قرار گرفت و این یافته مهم حاصل شد که ابن‌خلدون، به طور کاملاً دقیق و مشخص، در هر سه موضوع، ایده‌ها و نظرات منحصر بفردی را مطرح کرده است. ابن‌خلدون راه رسیدن به رشد و توسعه شهری را ذیل یک فرآیند جامع، همه‌جانبه و در هم تنیده می‌بیند. رسیدن به مرحله رشد و بقا از دیدگاه ابن‌خلدون نیاز به تعامل سازنده بین تمامی مؤلفه‌های مؤثر در توسعه دارد که به طور مفصل در این تحقیق به آن پرداخته شد.



نکته کلیدی بحث توسعه پایدار از دیدگاه این دانشمند مسلمان، اعتدال و میانه‌روی در رشد و توسعه است که می‌توانیم آن را «تئوری توسعه میانه‌رو» یا «تئوری توسعه متعادل» از منظر ابن‌خلدون بنامیم. از نظر او توسعه و رشد در هر زمینه‌ای باید در نقطه اوج‌اش، تحت کنترل و اعمال محدودیت قرار گیرد تا در نهایت، به زوال و فروپاشی تمدن نینجامد. این مهم می‌تواند در زمینه‌های مختلف مانند مصرف منابع، تخریب محیط‌زیست، توسعه و نرخ رشد اقتصادی، میزان درآمدها، نرخ افزایش یا کاهش جمعیت، نرخ مهاجریزی یا مهاجر فرستی و تمامی حیطه‌ها صادق باشد. توسعه میانه‌رو به نوعی مفهوم قناعت در دین اسلام را تداعی می‌نماید.

در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ آمده است که: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام. همچنین ذکر شده است: تهران جهان شهری است فرهنگی، دانش‌بنیان با هویت اصیل ایرانی و اسلامی، زیبا، مقاوم، مرفه و معیار در دنیای اسلام. بازآفرینی و روزآمدسازی معماری ایرانی - اسلامی و هویت‌بخشی به سیمای شهر و روستا، در بخش امور فرهنگی این سند ذکر شده است. تهیه الگوی شهر ایرانی - اسلامی که از موارد مهم پژوهش‌های حوزه معماری و شهرسازی در ایران امروز است و نیاز مبرمی به آن احساس می‌شود، در گام نخست نیاز به تدوین مبانی نظری غنی و جامعی دارد که به عنوان اساس و پایه‌ای جهت تدوین طرح‌ها و برنامه‌ها قرار گیرد. مسلم است در این باب، شناسایی حکمای مسلمان و آثار ارزشمند ایشان و مطالعه آن‌ها جهت دستیابی به صفات و خصوصیات الگوی شهر اسلامی بسیار مهم و کارآمد است. با توجه به شباهت بیشتر کشورهای مسلمان به یکدیگر در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی، مطالعه این آثار، می‌تواند گامی مؤثر جهت تدوین مبانی نظری جامع برای دستیابی به الگوی شهر اسلامی قلمداد شود. در این راستا نظریات ابن‌خلدون در حوزه شهری، بسیار غنی و حاوی نکاتی است که می‌تواند به عنوان یکی از مراجع و منابع تحقیق، از آن بهره گرفته شود. الگوی توسعه پایدار با رویکرد اسلامی یکی از مصادیق دستیابی به این اهداف است که در مقاله حاضر به آن اشاره شد. امید است که بتوان در سایه تدوین مبانی و اصول شهر اسلامی - ایرانی و بهره‌گیری از آراء حکمای مسلمان در این حوزه و استفاده از متخصصین، اندیشمندان، طراحان و مسئولین واجد شرایط و با همفکری و مشارکت مردمی گامی قوی و توانمند جهت پیاده‌سازی الگوی شهر اسلامی - ایرانی برداشت و ایده جهان شهر فرهنگی در افق ۱۴۰۴ را به تحقق نزدیک‌تر کرد.



* این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته شهرسازی خانم سعیده محتشم امیری، با عنوان «بررسی و تحلیل ویژگی‌های شهر مطلوب در آراء حکمای مسلمان» است که در حال حاضر، به راهنمایی دکتر محمد نقی زاده و دکتر بهناز امین زاده، و مشاورت دکتر محمدرضا ریخته‌گران، در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران ایران، در حال انجام است.

منابع و مأخذ:

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۸۸)، مقدمه، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۴)، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان: از فارابی تا ابن خلدون، تهران: انتشارات سروش؛
۳. آسایش، حسین (۱۳۷۶)، جغرافیای فقر: سنجش رنج بشر در جهان (قسمت اول)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۴۷، صفحات ۳-۲۳؛
۴. براتی، ناصر و امیر ثامنی (۱۳۸۸)، موانع و چالش‌های توسعه پایدار شهری در ایران، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین‌گر) (۱۳۸۷)، مقالات نخستین همایش توسعه شهری پایدار، صفحات ۱-۱۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران))؛
۵. بعلی، فؤاد (۱۳۸۲)، جامعه، دولت و شهرنشینی: تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون، مترجم: غلامرضا جمشیدیها، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران؛
۶. جمشیدیها، غلامرضا (۱۳۷۷)، پژوهشی در چگونگی تفسیر مقدمه ابن خلدون، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، شماره ۱۲، صفحات ۵۱-۶۷، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛
۷. جمشیدیها، غلامرضا (۱۳۸۳)، پژوهشی در باره نقش و جایگاه انسان در تئوری توسعه اجتماعی ابن خلدون، فصلنامه جمعیت، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۴۸-۴۷، صفحات ۱۴۰-۱۶۰؛
۸. حسین، طه (۱۳۸۲)، فلسفه اجتماعی ابن خلدون، مترجم: امیر هوشنگ دانایی، تهران: نگاه؛
۹. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۵)، تأملی در مجموعه مفاهیم سنت، تجدد و توسعه، مجله نامه فرهنگ، زمستان ۱۳۷۵، شماره ۲۴، صفحات ۷۴-۸۶؛
۱۰. ربانی، رسول و محمد رضانی (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر محیط بر رفتار فردی و اجتماعی از دیدگاه ابن خلدون، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۵، شماره ۱۳، صفحات ۵۳-۷۲؛
۱۱. زاكس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، مترجم: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: مرکز؛
۱۲. شهیدی، محمدحسن (۱۳۸۷)، مدیریت همزمان و هماهنگ ظرف و مظلوف ترافیک شهرها در راستای تحقق توسعه پایدار شهری در ایران، مندرج در: (امین زاده،



- بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۴۳-۱۷۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛
۱۳. طبیبیان، منوچهر (۱۳۸۷)، شهر و معیارهای تحقق شهر پایدار به منظور کاهش پیامدهای زیست محیطی، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۷۷-۹۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)؛
۱۴. طراوتی، حمید و سید امیر ایافت (۱۳۸۱)، دستور کار ۲۱، کنفرانس سازمان ملل در باره محیط‌زیست و توسعه، نشریه جستارهای شهرسازی، تابستان ۱۳۸۱، شماره ۲؛
۱۵. علیمردانی، مسعود (۱۳۸۳)، ابن خلدون و اخلاق شهرنشینی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۰، صفحات ۲۴۱-۲۱۸، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
۱۶. کشاورزی شیرازی، هما (۱۳۸۷)، آلودگی‌های محیط شهری با تأکید بر آلودگی هوا، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷) مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۹۷-۱۲۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)؛
۱۷. لاکوست، ایو (۱۳۵۴)، جهان‌بینی ابن خلدون، مترجم: مهدی مظفری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛
۱۸. مخدوم، مجید (۱۳۸۷)، آمایش سرزمین: ابزار توسعه پایدار، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۴۷-۵۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)؛
۱۹. مفیدی، مجید (۱۳۸۷)، انرژی و پایداری شهری، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۱۲۱-۱۴۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)؛
۲۰. مفیدی، مجید و علی افتخاری مقدم (۱۳۸۸)، توسعه پایدار شهری: دیدگاه‌ها و اصول اجرایی آن در کشورهای در حال توسعه، فصلنامه بین‌المللی ساخت شهر، سال ششم، شماره ۱۲، صفحات ۱۵-۲۵؛
۲۱. نقی زاده، محمد (۱۳۸۴)، جایگاه طبیعت و محیط‌زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی، تهران: دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات؛
۲۲. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵)، معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)، اصفهان: راهیان؛
۲۳. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)، اصفهان: مانی؛
۲۴. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، تأملی در رابطه پایداری فرهنگی و فرهنگ پایداری، مندرج در: (امین زاده، بهناز (تدوین گر) (۱۳۸۷)، مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار، صفحات ۲۱-۴۵، تهران: انتشارات دانشگاه تهران)؛
۲۵. نقی زاده، محمد (۱۳۹۰)، تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری، تهران: نشر شهر؛



26. Ahmad, Nobaya & Zaid Ahmad (2008), *Interpreting IbnKhalidun's Principles of Urban Planning toward Sustainability of Cities*, *The Arab World Geographer*, N.11, pp: 189-194;
27. Chupra, Umar(2008), *IbnKhalidun's theory of development: Does it help explain the low performance of the present-day Muslim world*, *Journal of socio - economics* N. 37, pp: 836-863;
28. Cook, E & Lier Van (1994), *landscape planning and ecological network*, Elsevier, Amesterdam;
29. Fida, Mohammad (1998), *IbnKhalidun's Philosophy of Social Change: A Comparison with Hegel, Marx and Durkheim*, *American Journal of Islamic Social Sciences*, N. 15, pp: 26-45;
30. Giere, Alfred (2001), *Ibn Khaldun on Solidarity ("Asabiyyah") - Modern Science on Cooperativeness and Empathy: a Comparison*, *Philosophia Naturalis*, N.38, pp: 91-104;
31. Pusic, Ljubinko (2004), *Sustainable Development & Urban Identity: A Social Context*, *Spatim*, N. 24, pp: 1-6;
32. Rabi' M, M (1967), *The political theory of IbnKhalidun*, Leiden: Brill;
33. Sabit Haji Mohammad, Mohammad Tahir (2010), *Principles of sustainable development in IbnKhalidun's economic thought*, *Malaysian Journal Of Real Estate*, N. 5, pp: 1-18;
34. Syed, Aghil & Syed Omar (2010), *An Inquiry into the Causes and Costs of Economic Growth: What Policy Makers of Today can Learn from the Muqaddimah of Ibn Khaldun*, *Inaugural Professorial Lecture Series*, Universiti Tun Abdul Razak: kuala lumpur;
35. Tatyana P. Soubbotina, (2004), *Beyond Economic Growth An Introduction to Sustainable Development*, Washington, D.C.: The World Bank;
36. Zubair, Hasan (2006), *Sustainable Development from an Islamic Perspective: Meaning, Implications, and Policy Concerns*, *Islamic Econ* N. 9, pp: 3-18;